

---

# پری شدگان

(مجموعه شعر)

---

قادر طهماسبی (فرید)





مرکز آفرینشهای ادبی

## پری‌شدگان

(مجموعه شعر)

قادر طهماسبی (فرید)

لیتوگرافی: محمدی

چاپ و صفحه‌بندی: چاپ سوره

چاپ اول: ۱۳۸۵

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

شابک: ۷ - ۱۶۸ - ۵۰۶ - ۹۶۴

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

طهماسبی، قادر

پری‌شدگان (مجموعه شعر) / قادر طهماسبی (فرید) - تهران: شرکت

انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۵.

۶۴ ص.

ISBN: 964 - 506 - 168 - 7

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. شمر فارسی - قرن ۱۴. الف. عنوان

۱۶۲/۹۸

PIR ۸۱۴۶

۱۳۸۵

۸۴ - ۴۶۶۲۱ م

کتابخانه ملی ایران

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، کوچه جمشید جم، شماره ۷۲.

صندوق پستی: ۱۱۴۴ - ۱۵۸۱۵

تلفن: ۶۶۴۶۵۸۲۸ • نمابر: ۶۶۴۶۹۹۴۷

تلفن مرکز بخش: ۵ - ۶۶۴۶۰۹۹۳

www.IRICAP.com

## فهرست

|         |                            |
|---------|----------------------------|
| ۷.....  | سخنی با همگان از زبان مؤلف |
|         | ترینه ۱                    |
| ۹.....  | دستها                      |
|         | ترینه ۲                    |
| ۱۳..... | بهشته و فرشته              |
| ۲۷..... | ایستگاه اولین              |
| ۳۷..... | پرنوشت پوپک خبرنگار من     |
| ۴۷..... | آی عاشقان!                 |
| ۵۳..... | ستاره‌های بی‌ستاره         |
| ۵۹..... | گزارش                      |
| ۶۳..... | دود و داد                  |

### سخنی با همگنان از زبان مؤلف

و چون ارابه جنگی ظلمتیان، در تعرض به فلات نور و روشنی، با صخره عظیم مقاومت برخورد کرد و از گردونه خارج شد ناچار سرکردگان لشکر تاریکی، برای تغییر صورت ستیزه در شیپور آتش بس و جنگ بس دمیدند و گاو غرور خود را در پای پیمان نامه صلح هنروارانه سر بریدند.

و مدعی گفت: فصل شقایق که گذشت، دیگر باران نخواهد بارید و بوته های گل سرخ خواهند خشکید و زمین سترون خواهد ماند.

چرا که ملخهای آشتی در خاله بازی فرهنگی، ریشه شقایقان را خورده و مورچگان دوراندیش گرسنگی بذر لاله های عباسی را به لانه خود در اعماق زمین برده اند و آسمان غمگین نیست؛ اما، حقیقت چنین نبود. این را نسیمی که بوی باران می داد در گوش مشام عاشقان زمزمه کرد، و نوبتی دیگر، توده ای ابر غمگین از دامن البرز شکوه و عظمت برخاست و به دنبال آن از هر کرانه تک ابری به حمایت پیوست.

و هنوز مدعی در خواب بود که بار دیگر آسمان اندوهناک شد و گریست باز هم ترانه ها، سرخ رویدند و خواهند روید. چرا که عشق

هیچ گاه در اینجا نخواهد مُرد. هر چند در خون بغلتد.  
و تا آسمان هست ستاره هست، امید هست و عشق، به گرمی، نفس  
می‌کشد و آسمان چشم عاشق، از ابرهای بهانه خالی نیست و این  
چند قطره اشک من تمهیدی است بر بارشی سنگین؛ ای دوست  
غمگین مباش که تا چشم قلندر بیدار است گیسوان بلند شب انتظار  
شقایق آجین خواهد بود و تا رسیدن ارابه طلایی خورشید، گل ستاره  
نخواهد پژمرد.

والسّلام والتّمام